

جنگ آسمان خراش‌ها در هنگ کنگ

هنگ‌کنگ هفته‌هاست در اعتراض به لایحه استرداد مظنونان به چین شاهد تظاهرات اعتراضات گسترده است و دوشنبه گذشته نیز جوانان خشمگین و معترض وارد ساختمان شورای قانونگذاری شدند و خسارات زیادی بر جای گذاشتند.

به گزارش فرارو، منطقه خودمختار هنگ‌کنگ با هفت میلیون و ۳۳۰ هزار نفر جمعیت، در جنوب چین قرار دارد و از مهم‌ترین بازارهای مالی و تجاری آسیا و جهان به‌شمار می‌رود.

شروع اعتراضات هنگ‌کنگ به حدود سه هفته پیش و اعتراضات گسترده به طرح جنجال‌برانگیز استرداد متهمان به چین برمی‌گردد. در پی مخالفت مردمی با این طرح، دولت اجرای این طرح را به حال تعلیق درآورد.

فعالان دموکراسی‌خواه هنگ‌کنگ خواستار آزادی‌های دموکراتیک مانند حق انتخاب رئیس این شهر هستند.

اما بسیاری از جوانان این منطقه پرجمعیت و گران‌قیمت جهان با مشکلات معیشتی دست به گریبان هستند. آنان احساس می‌کنند داشتن يك خانه در هنگ‌کنگ که مملو از آسمانخراش و برج‌های مسکونی است، يك رؤیاست. جوانان هنگ‌کنگ سیاست ناعادلانه در بخش مسکن را از معضلات خانه‌دار شدن خود می‌دانند و می‌گویند شرکت‌های املاک، بازار را کنتنر می‌کنند.

متوسط فضای زندگی در هنگ‌کنگ که جمعیت بالغ بر هفت میلیون نفر دارد ۴ مترمربع است. بسیاری از مردم هنگ‌کنگ که توانایی خرید خانه ندارند با والدین خود در يك خانه زندگی می‌کنند. اتاق‌ها نیز بسیار کوچک بوده و مساحت‌آنها از پنج تا ۹ متر است.

ته‌سیگار غذای جدید جوجه‌ها

عکس‌های تکان‌دهنده از يك پرندۀ كه به تازمۀ نوزادانۀ خود غذا می‌دهد، در فضای مجازی ویدیوهای

گفت‌وگو با چنگیز جلیوند، دوبلور پیشکسوت

کسی به فکر قهرمانان نیست

چند سال قبل جشنواره آسیاسافیک در شیراز برگزار شد. چنگیز جلیوند هم به عنوان مهمان در جشنواره حضور داشت. یادم هست تازه از آمریکا برگشته بود و خیلی آرام و مأخوذ به حیا می‌آمد و می‌رفت و با لبخند جواب سلام ما را می‌داد و اگر سوالی از او می‌پرسیدیم، خیلی کوتاه جواب می‌داد با همان لبخند. همه خبرنگارهایی که در این جشنواره حضور داشتند، درباره این صداپیشه دوست‌داشتنی و پیشکسوت يك جمله مشترک داشتند: «آقای جلیوند از آمریکا برگشته!»

جلیوند اوایل پیروزی انقلاب به آمریکا مهاجرت کرد و بعد از ۴۰ سال برگشت. در گفت‌وگوهایش همه سال‌هایی را که در آمریکا زندگی کرده و کارهایی را که برای درآزمایی انجام داده از جمله کار کردن در خشکشویی! تعریف کرده است. در همه این گفت‌وگوها عنوان کرده از روزی که رفته، دلش برای ایران تنگ شده و این دل‌تنگی آن قدر زیاد شده که روزی چمدان را بسته و برگشته. دیروز هم که برای گفت‌وگو به او تلفن کردم در بخشی از صحبت‌هایش آنجا که حرف مهاجرت پیش آمد و من خاطره‌ام از جشنواره آسیاسافیک شیراز را برایش تعریف کردم، گفت: «از همان روز اول که رفته تصمیم داشتم برگردم و برگشتم.»

حس خوب، حال خوب

چنگیز جلیوند، یکی از ممتازترین دوبلورهای ایرانی است که به جای بازیگران مطرح زیادی از جمله پل نیومن، مارلون براندو، کلارک گیبل، کلینت ایستود و سیلوستر استالونه صحبت کرده است. دیروز که به او تلفن کردم قصد داشتم درباره سیلوستر استالونه با هم صحبت شویم. روز تولدش بود و جلیوند به جای او در فیلم «راکی يك» صحبت کرده و آن قدر با نقش راکی به اصطلاح قاطی

زنی که ۳۲ همبرگر خورد!

در مسابقه سالانه همبرگرخوری که در واشنگتن آمریکا برگزار شد، يك زن توانست با خوردن ۳۲ همبرگر به مقام اول دست یابد. به گزارش فرارو، مولی شوپلر اهل کالیفرنیا موفق شد طی زمان ده

گذاشتند تا راکی ۲ بسازند و چنین شد که شش راکی ساخته شد و استالونه به نقطه‌ای که هدفش بود و دوست داشت، رسید.

من به جای راکی صحبت کردم و بعد از ایران رفتم. اما زمانی که برگشتم مدیر موسسه قرن بیست و یکم از من خواست تا راکی‌های بعدی را دوباره دوبله کنیم و من به جای استالونه صحبت کنم. به بقیه گوینده‌ها کاری نداشت اما می‌خواست در مجموعه فیلم راکی، من به جای استالونه صحبت کنم. این کار را انجام دادیم و خیلی هم خوب شد و در مجموعه فیلم راکی، يك نفر به جای شخصیت اصلی فیلم صحبت می‌کند. به جلیوند می‌گویم: این کار خوبی است که هر بازیگری يك صداپیشه خاص خودش را داشته باشد، چون آن بازیگر خارجی با صدای يك صداپیشه شناخته می‌شود و صدایش به نوعی امضای آن شخصیت در دوبله فارسی می‌شود؟

جلیوند می‌گوید: در دوره طلایی دوبله ایران این اتفاق می‌افتاد. برای بازیگران مطرح، دوبلورهای خاصی در نظر گرفته می‌شد و ایرانی‌ها آن بازیگر را با صدای يك دوبلور می‌شناختند. آن زمان فیلم‌ها اکران سینمایی می‌شد و صداپیشه‌ها، باعث رونق گیشه می‌شدند، اما سال‌هاست دوبله از دوران طلایی خود فاصله گرفته و دیگر مهم نیست چه کسی جای چه بازیگری صحبت می‌کند. به من تلفن می‌کنند که مثلاً فلان روز بیا و جای فلان بازیگر صحبت کن. می‌گویم در آن تاریخ به هر دلیلی نمی‌توانم، می‌گویند، باشد بیک دیگر را می‌آوریم، یعنی فرقی نمی‌کند که به جای بازیگری مثل استالونه چه کسی و با چه توانمندی‌هایی صحبت کند!

بازیگری يك صداپیشه پیشکسوت می‌گوید: دقیقاً این اتفاق است که چند سال است در سینمای ایران افتاده و هیچ‌کس به فکر قهرمان‌سازی نیست، در حالی که سینما حول محور قهرمان و ضدقهرمان می‌چرخد. برای همین است که سینمای ایران به سینمایی خنثی تبدیل شده که هیچ موج و انگیزه‌ای در جامعه و تماشاچی به وجود نمی‌آورد. در تلویزیون چند سریال مثل امام علی (ع)، ولایت عشق و مختارنامه بر اساس قهرمان‌های مذهبی ساخته شده‌اند، اما در سینما هیچ خبری از قهرمان نیست و این بزرگ‌ترین آسیب و چالش سینمای ایران است.

چنگیز جلیوند عاشق ایران و فرهنگ و هنرش است. او همچنان در حرفه دوبله فعال است و گاهی در سینما و تلویزیون هم نقش‌هایی را بازی می‌کند. از نقش‌های به یادماندنی او می‌توان به سریال‌های عبور از پاییز و یلدا اشاره کرد.

شیوه مولی برای برنده شدن به این صورت است که او همبرگر را در دهانش قرار می‌دهد و بلافاصله با آب ولرم بدون این‌که همبرگر را بجود، می‌بلعد. او می‌گوید برای برنده شدن در این مسابقه باید گرسنه باشید. رستورانی که این مسابقه را برگزار می‌کند در طول برگزاری رقابت‌ها به همه حاضران ساندویچ رایگان می‌دهد.

به عبادت و امور خیریه مشغول شود.

مقطع حساس کنونی

حکایت زاهد واره و درخت انحرافی

در زمان‌های قدیم میان یکی از اقوام قدیمی، زاهدی می‌زیست که سبک زندگی شدیداً زاهدانه‌ای داشت و همواره با يك پیراهن مندرس، در يك گوشه افتاده به عبادت می‌پرداخت. روزی یکی از اشخاص معتمد به او خبر داد در یکی از دهات اطراف، کدخدای ده، يك درخت قدیمی را مقدس اعلام کرده و مردم و گردشگران از مناطق مختلف به زیارت آن درخت می‌روند و به آن چیزمیزی می‌بندند و کدخدا نیز بابت آن از آنها پول می‌گیرد.

زاهد خشمگین شد و چوب خود را همراه اهره‌برقی برداشت تا به دهات مذکور برود و درخت مذکور را قطع کند. در راه االیع شد و هیات خواننده‌ای سنتی بر زاهد ظاهر شد و گفت: ای زاهد، کجا می‌روی؟ زاهد گفت: می‌روم تا درخت انحرافی را قطع کنم. خواننده سنتی گفت: زاهد، به تو چه؟ زاهد که از اظهارناظر خواننده سنتی خشمگین شده بود، باو گلاویز شد و او را به زمین زد و خواست با چوب بر سر وی بکوبد که ابلیس در همان حال که روی زمین خوابیده بود از هیات خواننده سنتی به هیات مشاور دیجیتال مارکتینگ درآمد و گفت: ای زاهد، بیا معامله‌ای کنیم. من هر روز از محل درآمد درخت از گردشگران، دو سکه زیر بالش تو می‌گذارم که صرف امور خیر کنی. آیا این بهتر از قطع کردن درخت نیست؟

زاهد با خود اندیشید و اقعاً بهتر است. پس اهره‌برقی و چوب خود را برداشت و به شهر بازگشت. ابلیس تا يك هفته هرروز دو سکه زیر بالش زاهد گذاشت تا این‌که در روز هشتم خبری از سکه‌ها نشد. زاهد که بار دیگر خشمگین شده بود اهره‌برقی را برداشت و به سمت دهاتی که درخت آنجا بود به راه افتاد. در راه ابلیس در هیات يك کارشناس اقتصادی بر زاهد ظاهر شد و گفت: ای زاهد به کجا می‌روی؟ زاهد گفت: برای وصول مطالبات سررسید شده به دهات انحرافی می‌روم. کارشناس اقتصادی گفت: ببخود و با زاهد گلاویز شد و او را به زمین زد و گفت: تو قبلاً مرا زمین زدی، چرا که انگیزه‌ات معنوی بود، اما الان زمین خوردی، چرا که انگیزه‌ات مادی بود. وی سپس در گوش زاهد چیزی گفت که هیچ‌کس نشنید چه بود، اما باعث شد زاهد اهره‌برقی و چوب خود را بردارد و به شهر برود و تا آخر عمر به عبادت و امور خیریه مشغول شود.

کافه میرداماد

سینماختنی شده

به جلیوند می‌گویم آن‌طور که در تاریخ نوشته‌اند روز پنجشنبه در ایران باستان روز جشن تیرگان بوده، روزی که آرش کمانگیر بر فرزاد دماوند می‌رود و آن تیر معروف را از کمان رها می‌کند تا مرز توران (ایران) را مشخص کند. کشورهایی مانند کره جنوبی درباره اسطوره‌های نداشت‌ه خود، فیلم و سریال می‌سازد و برای مردمش قهرمان‌سازی می‌کند. سینمای آمریکا هم براساس قهرمان و ضدقهرمان تولیدات خود را برنامه‌ریزی می‌کند، اما در ایران که مهد قهرمان‌های باستانی و تاریخی و معاصر است، قهرمان‌ها در فرهنگ و هنر جایی ندارند.

این صداپیشه پیشکسوت می‌گوید: دقیقاً این اتفاق است که چند سال است در سینمای ایران افتاده و هیچ‌کس به فکر قهرمان‌سازی نیست، در حالی که سینما حول محور قهرمان و ضدقهرمان می‌چرخد. برای همین است که سینمای ایران به سینمایی خنثی تبدیل شده که هیچ موج و انگیزه‌ای در جامعه و تماشاچی به وجود نمی‌آورد. در تلویزیون چند سریال مثل امام علی (ع)، ولایت عشق و مختارنامه بر اساس قهرمان‌های مذهبی ساخته شده‌اند، اما در سینما هیچ خبری از قهرمان نیست و این بزرگ‌ترین آسیب و چالش سینمای ایران است.

چنگیز جلیوند عاشق ایران و فرهنگ و هنرش است. او همچنان در حرفه دوبله فعال است و گاهی در سینما و تلویزیون هم نقش‌هایی را بازی می‌کند. از نقش‌های به یادماندنی او می‌توان به سریال‌های عبور از پاییز و یلدا اشاره کرد.

شیوه مولی برای برنده شدن به این صورت است که او همبرگر را در دهانش قرار می‌دهد و بلافاصله با آب ولرم بدون این‌